

فعال سازی ظرفیتهای بیکار

حبیبه فتحی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

شهروند

سطح بهره برداری از ظرفیت، شاخص عمده تعیین بهره‌وری در استفاده از منابع موجود در صنعت در هر اقتصادی است. در آستانه هفته صنعت و معدن دیده می‌شود این بخش با مشکل جدی افزایش روبه گسترش ظرفیتهای بلا استفاده هم در بخش صنعت و هم معدن مواجه است. ظرفیت بلااستفاده رابطه بین خروجی واقعی و خروجی بالقوه با نیروی کار و تجهیزات موجود را نشان می‌دهد. هرچند باید توجه داشت رشد پدیده ظرفیت بلا استفاده تنها منحصر به کشور ما نیست و اکثر کشورهای صنعتی و در حال توسعه‌ای که بنیان رشد اقتصادی خود را بر توسعه صادرات صنعتی قرار دادند، نیز از این مشکل رنج می‌برند. شواهد تجربی نشان داده که نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی به رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت پاسخ مثبت نشان می‌دهد. در حالی که تاثیر افزایش نرخ استفاده از ظرفیت بر رشد اقتصادی در بلند مدت به متغیرهایی چون رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، بهره‌وری نیروی کار، نوسانات نرخ ارز و.. بستگی خواهد داشت. تقریباً می‌توان دید وجود ظرفیتهای بلا استفاده در بنگاههای صنعتی بحرانی همه‌گیر است. بطور مثال در ایالات متحده علی‌رغم رشد ۵/۴ درصدی تولیدات صنعتی در سال ۲۰۱۲ میزان ظرفیت بکارگرفته شده به سطح ۷۶/۶ درصد رسید که هنوز از میزان ۸۹ درصدی در سال ۲۰۰۷، یعنی یک سال پیش از آغاز بحران مالی جهانی فاصله بسیار دارد. صنایع ژاپن نیز که بطورمتوسط در خلال سالهای ۲۰۱۲-۱۹۶۸ با متوسط ظرفیت ۱۰۰/۵۴ درصد فعال بودند، در مارس ۲۰۱۳ از ۸۵/۹ درصد ظرفیت خود بهره‌برداری نمودند. در کل کشورهای صنعتی پس از وقوع بحران اقتصادی، نرخ استفاده از ظرفیت صنعتی بطور متوسط ۱۰ تا ۲۰ درصد تنزل پیدا کرد. در این اقتصادها ایجاد ظرفیت تولیدی بلا استفاده از تقلیل سودآوری بنگاه‌ها، کاهش تقاضای داخلی کالاهای بادوام در پی تنزل شاخص اعتماد و کاهش مزیت رقابتی بواسطه رقابت قیمتی از سوی اقتصادهای نوظهور نشأت گرفته‌است. این کشورها چاره بهره‌برداری از ظرفیتهای بیکار و توانمندی خود را در افزودن بر میزان هزینه‌های تحقیق و توسعه به منظور یافتن

شیوه‌ها و فناوری‌های نوین، بهبود کیفیت مدیریت، دسترسی به زنجیره تامین متناسب در جهت کاهش هزینه مبادله و توسعه صادرات یافته‌اند.

در کشور چین نیز ظرفیت استفاده از صنایع در سال گذشته به پایین‌ترین سطح خود طی سالهای اخیر یعنی حدود ۶۰ درصد رسید که در مقایسه با سهم ۸۰ درصدی قبل از بحران سال ۲۰۰۸ تا حد زیادی نمایانگر افول تقاضای جهانی برای مصنوعات صنعتی چین در بازار جهانی و رکود داخلی بخش مسکن که بزرگترین مصرف‌کنندگان تولیدات فولادی و ماشین‌آلات هستند، بوده‌است. چین با تاکید بر تامین تقاضای داخلی طبقه متوسط رو به گسترش خود می‌تواند تنگنای ناشی از صادرات را پوشش دهد.

در داخل کشور کمبود نقدینگی برای تامین قطعات و مواد اولیه، عدم دسترسی به فناوریهای روز تحت تاثیر فشار تحریم بین‌المللی، هجوم واردات و کاهش توان رقابتی صنایع موجب شده ۲۰ تا ۷۵ درصد از ظرفیت واحدهای تولیدی موجود بیکار بمانند. علاوه بر این، بهره‌وری پایین نیروی کار و سرمایه در بخش صنعت نیز موجب شده رشد تولیدات بنگاههای تولیدی از طریق استفاده بیشتر از منابع که بواسطه تحریم‌ها پرهزینه‌تر از سابق بدست آنان می‌رسد و بالتبع افزایش هزینه‌های تولید، محقق گردد.

در چنین شرایطی مساعد نمودن شرایط صادرات به مثابه راهکاری در بهره‌برداری از ظرفیتهای عاطل و ارائه کالایی رقابتی از لحاظ قیمت و کیفیت درگرو بهبود سایر عوامل تولید، بهره‌وری نیروی کار، نوآوری و تاکید بر بازاریابی سنجیده در بازارهای هدف صادرات صنعتی کشور است. رشد ۲۲ درصدی صادرات کالاهای صنعتی و معدنی در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل و رسیدن به مرز ۲۰ میلیارد دلار از توانمندی این بخش حکایت می‌کند. توانمندی که با بهبود فضای کسب‌وکار و جلب مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی در تولید و صادرات اقلام ارزآور می‌تواند بیش از پیش تقویت گردد.